

بررسی علل افزایش جمعیت شهری در مقیاس ناحیه ای* (با تأکید بر استان خراسان)

دکتر محمدعلی احمدیان**

دکتر مهدی جهانی***

چکیده

با توجه به اینکه عدم تعادل در نظم فضایی جمعیت، مشکلات متعددی را برای کشور به وجود آورده است، این تحقیق بر آنست با شناخت عوامل مؤثر بر روند افزایش جمعیت شهری، زمینه مناسبی برای رفع مشکلات مزبور را فراهم نماید. به همین منظور از بین طبقات جمعیتی شهرهای استان خراسان ۹ شهر به عنوان نمونه انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفته است. یافته های تحقیق حاکی از رشد ۲/۹ درصدی جمعیت شهری، طی دوره ۷۵-۱۳۶۵ می باشد که تنها ۰/۹ درصد آن ناشی از مهاجرت بوده است. مهاجرت به شهرها، هم از نظر کمی و هم از نظر عوامل مؤثر بر آن، ارتباط معنی داری با طبقات جمعیتی شهرهای نمونه داشته است، لیکن در مجموع، انگیزه های شغلی و برخورداری از خدمات آموزشی، مهمترین علل مهاجرت به شهرها بوده است.

واژگان کلیدی

طبقات جمعیتی، نظم فضایی، جستجوی کار، جابجایی اجباری

*- این مقاله خلاصه پژوهشی است که با حمایت شورای پژوهش های علمی کشور و در قالب طرحهای ملی صورت گرفته است. سازمان مجری، دانشگاه فردوسی مشهد و تاریخ اتمام طرح سال ۱۳۸۰ بوده است. ضمناً پژوهش مزبور به عنوان پژوهش برگزیده استان خراسان، از سوی اداره ارشاد اسلامی استان خراسان انتخاب شده است.

** - عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی (مشهد)

*** - عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

مقدمه

تحولات جمعیتی ایران حاکی از آنست که کل جمعیت کشور در سال ۱۳۴۵ حدوداً ۱۹ میلیون نفر بوده است و از این تعداد، ۶ میلیون نفر شهرنشین بوده اند. در سال ۱۳۷۵ با افزایش جمعیت کشور به حدود ۶۰ میلیون نفر، جمعیت شهری به ۳۷/۵ میلیون نفر افزایش یافته است که ۶ برابر جمعیت شهری سال ۱۳۴۵ می باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۸). این در حالی است که طی همین دوره ی زمانی، جمعیت روستایی به ۲ برابر هم نرسیده است. این افزایش سریع جمعیت شهری از یک طرف منجر به گسترش سریع شهرها و افزایش مشکلات جوامع شهری شده است و از طرف دیگر با تخلیه جمعیت نقاط روستایی، تولیدات کشاورزی که نیاز جمعیت رو به افزایش کشور را تدارک می نموده است، رو به کاهش نهاده و وابستگی غذایی کشور را شدت می بخشد. لذا بررسی و تحلیل عوامل افزایش جمعیت شهری، از اهمیت بالایی برخوردار می باشد.

سابقه تحقیق

از انقلاب صنعتی به این طرف، پدیده شهرنشینی، به صورت مسأله ای بغرنج به وجود آمد. در سال ۱۸۰۰ میلادی تنها ۳/۱ درصد از جمعیت جهان در نقاط شهری زندگی می کردند لیکن این نسبت در سال ۱۹۰۰ به ۱۲/۱ درصد و در سال ۱۹۹۵ به حدود ۴۶ درصد افزایش پیدا کرد و پیش بینی می شود این رقم تا سال ۲۰۲۰ از ۶۰ درصد جمعیت کره زمین افزون گردد. (United Nations, 1998) علت این افزایش بی رویه جمعیت شهری، در کشورهای توسعه یافته، افزایش طبیعی جمعیت، به دلیل کاهش مرگ و میر از یک سو و تمرکز فعالیت های صنعتی در کانون های شهری از سوی دیگر بوده است. (هاگت، ۱۳۷۵) این پدیده در کشورهای در حال توسعه با تأخیر زمانی و علی متفاوت صورت گرفت که مهمترین آنها تفاوت میان نقاط شهری و روستایی به لحاظ زمینه های اشتغال، سطح دستمزدها، امکانات خدماتی و رفاهی و نظایر اینها می باشد. (Chapman, 1999)

تحلیلگران اقتصاد سیاسی، در مورد علل ساختاری افزایش جمعیت شهری در کشورهای اخیر، بر تأثیر پدیده وابستگی که از پیامدهای نظام سرمایه داری جهانی است، تأکید بیشتری می نمایند. (گیلبرت، ۱۳۷۶)

مشکلات ناشی از افزایش جمعیت شهری در کشورهای توسعه یافته، منشاء تحقیقات و ارائه راهبردهای متعددی گردید که از آن جمله می باید به مطالعات جورج تولی

(Tolley, 1989)، پل نوکس (Knox, 1998)، ایده ی باغ (شیعه، ۱۳۷۵) و نظایر آن اشاره نمود. همچنین در کشورهای در حال توسعه نیز از نیمه دوم قرن حاضر پژوهش های فراوانی در سطح جهانی (United Nations, 1998) و منطقه ای (United Nations, 2000) و ملی صورت گرفته است و استراتژیها و راهبردهای گوناگونی ارائه شده است که از جمله می توان به رویکرد «شهرهای کوچک» (Small Cities) توسط پراکاش ماتور (Mathur, 1982) و صلاح الشّخص (Salahel – Shakhs, 1974) و راهبرد روستا شهرها توسط فریدمن (سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۶۳) و مطالعاتی از این قبیل اشاره نمود. در ایران، افزایش سهم نفت در اقتصاد ملی و سیاست شبه مدرنیزاسیون توسط نظام حاکم، روند گرایش به شهرنشینی را از آغاز قرن حاضر، شدت بخشید. (سلطان زاده، ۱۳۶۷) مشکلات مترتب بر افزایش جمعیت شهری در دهه ۱۳۵۰ نگرانی هایی را برای نظام حاکم به وجود آورده و منتهی به مطالعاتی در این زمینه گردید که از آن جمله می توان به مطالعات گروه بتل و ستکوپ و .. جهت سازماندهی فضایی جمعیت و پژوهش های «مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران» که عمدتاً پدیده حاشیه نشینی را بنا به خواست سازمان مدیریت و برنامه ریزی (سازمان برنامه و بودجه) مورد مطالعه قرار دادند، اشاره نمود (علیزاده، کازرونی، ۱۳۶۳).

در سالهای بعد از انقلاب و به ویژه پس از جنگ تحمیلی، ساماندهی توزیع فضای جمعیت، انگیزه پژوهشهای متعددی گردیده است. از آن جمله می توان به مطالعات «مرکز جمعیت شناسی» وابسته به دانشگاه شیراز (اردشیری، ۱۳۷۵) و پژوهش های صورت گرفته توسط سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (سیدعلوی، ۱۳۷۴) و همچنین پژوهش های صورت گرفته در «مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری» وابسته به وزارت کشور (فصلنامه مدیریت شهری، ۱۳۸۰) و «مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران» وابسته به وزارت مسکن و شهرسازی (زنجانی، ۱۳۷۱) اشاره نمود.

اهداف

باتوجه به اینکه رشد جمعیت شهری کشور بیش از نرخ رشد طبیعی می باشد هدف از این مطالعه تعیین سهم عوامل مختلف از جمله مهاجرت در افزایش جمعیت شهری ست. همچنین شناخت علل مهاجرت ها به منظور ارائه راهبردهای لازم در جهت تثبیت نسبی جمعیت و توزیع متعادل آن در سکونتگاه های شهری و روستایی از اهداف عمده این تحقیق می باشد.

روش تحقیق

روش تحقیق تلفیقی از مطالعات کتابخانه ای و فعالیت های میدانی بوده است. در تحقیقات میدانی به انتخاب شهرهای نمونه، برحسب طبقات جمعیتی مبادرت گردیده است، به نحوی که شهرهای نمونه هم از بین طبقات جمعیتی مختلف و هم توزیع جغرافیایی مناسب داشته باشند. براین اساس ۹ شهر به شرح زیر انتخاب گردید.

از شهرهای کوچک: شهرهای طبس، سرخس و گناباد؛

از شهرهای متوسط: شهرهای تربت جام و شیروان؛

از شهرهای بزرگ: بیرجند، بجنورد و سبزوار؛

شهر مشهد نیز به عنوان تنها کلانشهر منطقه با ویژگیهای خاص خود به عنوان یک نمونه جداگانه به مجموع شهرهای نمونه افزوده شد. از مجموع شهرهای مذکور ۱۶۰۰ خانوار به روش خوشه ای و به عنوان نمونه انتخاب شده و با حداکثر خطای ۲ در هزار در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

فعالیت های میدانی و آماری

کلیه خانوارهای ساکن در نقاط شهری استان خراسان، جامعه آماری طرح را تشکیل می دهند. به منظور سهولت در اجرای آمارگیری و کاهش حجم عملیات اجرایی، شهرهای استان در ۴ گروه به شرح زیر طبقه بندی شده اند.

گروه (۱): شهرهای کوچک با جمعیت ۲۵ تا ۵۰ هزار نفر؛

گروه (۲): شهرهای متوسط با جمعیت ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر؛

گروه (۳): شهرهای بزرگ با جمعیت ۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر؛

گروه (۴): شهر مقدس مشهد به عنوان کلانشهر استان؛

در هر یک از سه گروه اول تعدادی شهر که دارای ویژگیهای مشترک اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با سایر شهرها می باشند مورد آمارگیری قرار گرفته اند. فهرست اسامی شهرها در گروه های فوق الذکر به شرح زیر است:

گروه (۱): سرخس، طبس و گناباد؛

گروه (۲): تربت جام و شیروان

گروه (۳) بجنورد، بیرجند و سبزوار؛

گروه (۴): مشهد؛

برای برآورد حجم نمونه، از معادلات زیر استفاده شده است:

$$(1) Yh = \frac{1}{Mh} \sum_{i=1}^{Mh} \frac{1}{Mh} \sum_{j=1}^{Mhi} Yhij$$

$Yhij$: اندازه صفت مورد نظر برای خانوار j ام در بلوک i ام در گروه h

Mhi : تعداد خانوار نمونه در بلوک i ام گروه h

Mh : تعداد بلوک نمونه در بلوک h

Yh : میانگین صفت مورد نظر در گروه h

$$(2) Y = \frac{\sum_{h=1}^4 KhYh}{\sum_{h=1}^4 Kh}$$

Kh : تعداد خانوار ساکن در گروه h

Y : میانگین صفت مورد نظر در شهرهای استان خراسان

یافته های تحقیق

براساس یافته های تحقیق، جمعیت شهری در شهرهای نمونه طی دوره ۷۵-۱۳۶۵ رشدی معادل ۲/۹ درصد در هر سال داشته است. حدوداً ۲ درصد از این رشد ناشی از رشد طبیعی جمعیت و ۰/۹ درصد نیز ناشی از مهاجرت بوده است. پایین بودن میزان مهاجرت به شهر مقدس مشهد ناشی از هجوم آوردن مهاجران به کانونهای جمعیتی حاشیه ای و نمونه ای خارج از محدوده قانونی شهر مقدس مشهد می باشد. در مورد رشد طبیعی جمعیت به ویژه در شهرهای کوچک به نظر می رسد فرهنگ روستائی حاکم بر مهاجرین وارد شده، عامل بالا بودن رشد طبیعی در چنین شهرهایی بوده است، به طوری که در شهرهای پرجمعیت تر، رشد طبیعی نسبتاً کمتری به چشم می خورد. به عنوان مثال طی دهه ۷۵-۶۵ میانگین تقریبی رشد طبیعی جمعیت برای شهرهای کوچک اندام (سرخس، طبس و گناباد) ۲/۲۳ درصد و برای شهرهای بزرگ اندام (بیرجند، بجنورد و سبزوار) ۲/۱۴ درصد و در کلانشهر مشهد ۱/۹۳ درصد بوده است.

جدول شماره ۱- نرخ رشد طبیعی و نرخ رشد مهاجرت خالص در شهرهای نمونه استان خراسان (در هزار)

۱۳۷۵-۷۸			۱۳۶۵-۷۵					۱۳۵۵-۶۵	شهر
نرخ رشد طبیعی			نرخ رشد سالانه	نرخ رشد مهاجرت**	نرخ رشد طبیعی			نرخ رشد سالانه*	
حداکثر	حداقل	برآورد			حداکثر	حداقل	برآورد		
۱۵/۹	۱۰/۵	۱۳/۲	۲۹/۶	۸/۹	۲۳/۰	۱۸/۴	۲۰/۷	۷/۲	نقاط شهری
۱۹/۹	۹/۱	۱۴/۵	۵۴/۵	۲۷/۴	۳۱/۶	۲۲/۶	۲۷/۱	۹/۳	سرخس
۱۸/۹	۴/۷	۱۱/۸	۵۴/۷	۳۰/۴	۳۰/۳	۱۸/۴	۲۴/۳	۲/۶	طبس
۲۳/۸	۴/۶	۱۴/۲	۳۴/۵	۱۴/۹	۲۳/۶	۱۵/۶	۱۹/۶	۷/۲	گناباد
۲۰/۴	۹/۸	۱۵/۱	۶/۸	-۱۷/۶	۲۸/۴	۲۰/۴	۲۴/۴	۱۱/۵	تربت جام
۱۹/۶	۱۰/۲	۱۴/۹	۳۶/۳	۱۲/۳	۲۷/۷	۲۰/۳	۲۴/۰	۸/۵	شیروان
۱۹/۱	۱۱/۵	۱۵/۳	۳۶/۷	۱۱/۰	۲۸/۷	۲۲/۷	۲۵/۷	۶/۹	بجنورد
۲۳/۶	۱۵/۴	۱۹/۵	۴۴/۵	۲۳/۳	۲۴/۸	۱۷/۶	۲۱/۲	۵/۷	بیرجند
۱۷/۸	۸/۸	۱۳/۳	۲۸	۹/۲	۲۱/۳	۱۶/۳	۱۸/۸	۶/۴	سبزوار
۱۴/۲	۹/۴	۱۱/۸	۲۵/۶	۶/۳	۲۱/۶	۱۷/۰	۱۹/۳	۸/۲	مشهد
۱۸/۰	۹/۲	۱۳/۶	۴۶/۶	۲۳/۳	۳۶/۲	۲۰/۴	۲۳/۳	-	گروه ۱
۱۸/۴	۱۱/۶	۱۵/۰	۲۵/۳	۱/۱	۳۶/۸	۲۱/۶	۲۴/۲	-	گروه ۲
۱۸/۳	۱۳/۳	۱۵/۸	۳۸/۶	۱۷/۲	۲۳/۲	۱۹/۶	۲۱/۴	-	گروه ۳
۱۴/۲	۹/۴	۱۱/۸	۲۵/۶	۶/۳	۲۱/۶	۱۷/۰	۱۹/۳	-	گروه ۴

ویژگیهای مهاجرتی نقاط شهری

۱- مهاجرفرستی

از ۱۶/۹ درصد خانوارهای ساکن در شهرهای استان خراسان، فرد یا افرادی در سالهای پس از ۱۳۶۵ مهاجرت کرده و در نقاط دیگری از کشور یا خارج کشور ساکن شده اند. این نسبت در گروههای مختلف شهری از ۱۱/۶ درصد تا ۲۰/۴ درصد متفاوت است. در جدول زیر درصد خانوارهایی که فرد یا افرادی از آنها مهاجرت کرده اند ارائه شده است.

*- ستون ۲ و ۷ بر مبنای اطلاعات حاصله از سرشماری های ۱۳۷۵-۱۳۶۵-۱۳۵۵ تعیین شده است.

**- ستون فوق از تفاضل ستونهای ۳ و ۷ به دست آمده است.

جدول شماره ۲- خانوارهای نمونه ای که بعد از سال ۱۳۶۵، فرد یا افرادی از آنها مهاجرت کرده اند

شهر	درصد خانوارها
نقاط شهری	۱۶/۹
سرخس	۸/۶
طبس	۲۰/۴
گناباد	۲۰/۰
ترتت جام	۱۰/۹
شیروان	۲۲/۱
بجنورد	۱۵/۰
بیرجند	۱۶/۷
سبزوار	۲۶/۸
مشهد	۱۱/۶
گروه ۱	۱۶/۵
گروه ۲	۱۷/۲
گروه ۳	۲۰/۴
گروه ۴	۱۱/۶

مقصد مهاجرت های صورت گرفته در شهرهای نمونه را در سه بخش می توان مورد

بررسی قرار داد:

۱- گروه مهاجرینی که اغلب در شهرستان خودشان جابه جا شده اند که شامل شهرهای ترتت جام و سرخس می باشد (در ترتت جام ۳۵/۷ درصد و در سرخس ۲۵ درصد مهاجران در محدوده شهرستان خودشان جابه جا شده اند).

۲- مهاجرینی که به شهرستان های دیگر استان مهاجرت نموده اند. شهرهای طبس، گناباد و مشهد در این گروه قرار می گیرند. از شهرهای مذکور، طبس و گناباد، که در گروه شهرهای کوچک هستند، هرکدام بیش از ۵۰ درصد مهاجرانشان را فقط به مشهد یعنی کلانشهر استان، گسیل داشته اند.

۳- مهاجرینی که به خارج استان سفر کرده اند. شهرهای سبزوار و بجنورد هرکدام بیش از ۶۰ درصد و بیرجند و شیروان بیش از ۵۰ درصد مهاجران خود را به خارج از استان فرستاده اند.

شهرهای سبزوار و بجنورد بیش از ۳۰ درصد و شیروان کمتر از ۳۰ درصد از مهاجرانشان را عازم تهران نموده اند. به نظر می رسد، مجاورت با راه مواصلاتی تهران - مشهد در این امر تأثیر تعیین کننده ای داشته است.

یافته های تحقیق حاکی از آن است که شهرهای مشهد و تهران به عنوان کلانشهرهای پرچاندبه کشور، جمعاً ۶۸ درصد مهاجرین گناباد، ۵۷ درصد مهاجران طبس، ۵۰ درصد مهاجران شیروان، ۵۰ درصد مهاجران بجنورد و ۵۴ درصد مهاجران سبزوار را به خود جذب نموده اند. مشهد به طور عمده، مقصد مهاجران شهرهای کوچک اندام استان بوده است در صورتی که مهاجران شهرهای بزرگ اندام استان، تهران را به عنوان مقصد برگزیده اند.

در بین شهرهای بزرگ اندام استان، شهر بیرجند، به لحاظ موقعیت جغرافیایی و مجاورت با استان سیستان و بلوچستان، ۳۵ درصد مهاجرانش را به تهران و مشهد و ۲۵ درصد را به سیستان و بلوچستان فرستاده است. و این امر، شهر مزبور را از سایر شهرهای هم ردیف خود که مقصد عمده مهاجرانشان، تهران و مشهد بوده است متمایز نموده است.

قابل ذکر است که، ۱۳/۲ درصد از مهاجرین با هدف جستجوی کار، شهرهای استان را ترک کرده اند. ۲۸/۲ درصد، جهت ادامه تحصیل خود یا فرزندان و بستگان، ۲۸/۷ درصد به صورت اجباری (سربازی، زندان و...) و ۱۸/۹ درصد به صورت تبعی (ازدواج و ...) مهاجرت نموده اند.

۲- مهاجرپذیری

۲۴/۳ درصد از خانوارهای ساکن در شهرهای استان خراسان که مورد پرسشگری قرار گرفته اند از سال ۱۳۶۵ به بعد در شهرهای نمونه ساکن شده اند. این نسبت در شهرهای مختلف استان از ۱۹/۳ در مشهد تا حدود ۴۰ درصد در طبس و تربت جام در نوسان بوده است.

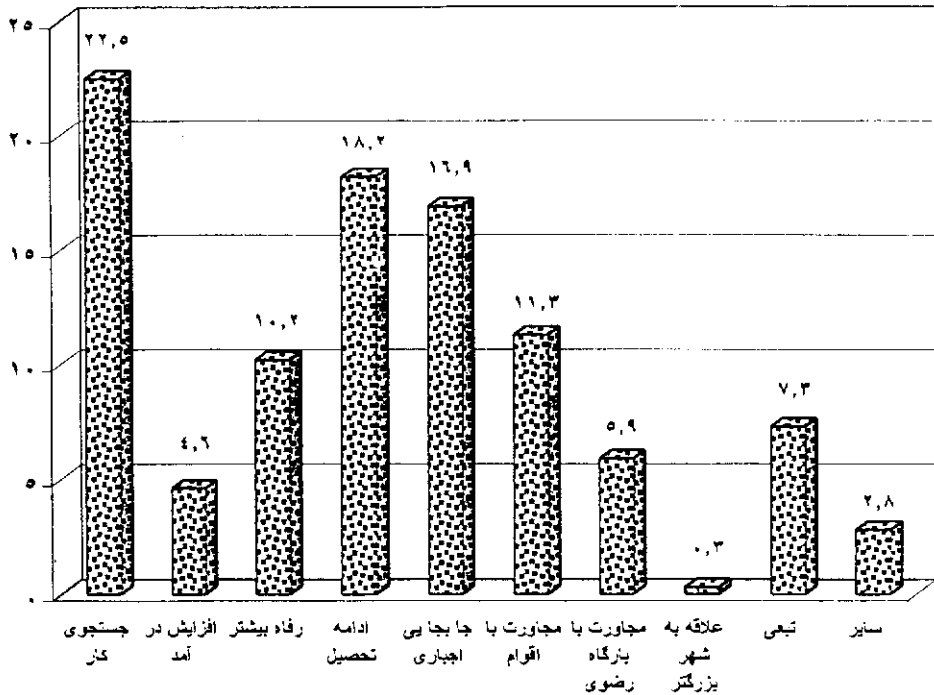
۲۲/۵ درصد از خانوارهای مهاجر با هدف جستجوی کار سرپرست خانوار، در شهرها ساکن شده اند. ۴/۶ درصد به دلیل افزایش درآمد، ۱۰/۲ درصد جهت رفاه بیشتر، ۱۸/۲ درصد برای ادامه تحصیل، ۱۶/۹ درصد به دلایل اجباری، ۱۱/۳ درصد به منظور مجاورت با اقوام، ۰/۳ درصد به دلیل علاقه به زندگی در شهر بزرگتر و ۷/۳ درصد به صورت تبعی به شهرهای استان طی سالهای ۷۸-۱۳۶۵ مهاجرت نموده اند. در جدول شماره ۳ علل مهاجرت خانوارها به شهرهای استان آمده است.

جدول شماره ۳- ویژگی های عمده شهرهای نمونه استان خراسان از نظر مهاجریذیری

شهر	جستجوی کار	ادامه تحصیل	جابجایی اجباری
سرخس	x		x
طبس			x
گناباد	x		
تربت جام	x	x	
شیروان		x	
بجنورد	x	x	
بیرجند	x		
سبزوار	x	x	
مشهد	x		
گروه ۱	x		
گروه ۲		x	
گروه ۳		x	
گروه ۴			

از میان علل و انگیزه های مهاجرت به شهرهای نمونه، جستجوی کار از اولویت بالایی برخوردار است. چنانچه ۴۳ درصد مهاجرینی که به سرخس وارد شده اند و ۴۱/۵ درصد مهاجرین به گناباد و حدود ۳۵ درصد مهاجرین به سبزوار، جستجوی کار را به عنوان مهمترین انگیزه برای مهاجرت عنوان کرده اند. در مورد شهر مشهد، برخلاف انتظار، تنها ۱۹/۳ درصد به انگیزه فوق الذکر مهاجرت نموده اند. در مورد مشهد، بدون تردید می باید بخش مهمی از اینگونه مهاجرین را در کانونهای جمعیتی واقع در حاشیه و حومه شهر جستجو کرد، که در محاسبات این تحقیق، منظور نشده اند.

نمودار الف) علل مهاجرت به شهرهای نمونه استان خراسان (درصد)



از بین مهاجرین به شهرهای نمونه، ۴۲/۱ درصد آنها منشأ روستایی و ۵۷/۹ درصد منشأ شهری داشته اند. در بین شهرهای نمونه، شیروان و تربت جام با حدود ۸۰ درصد و بجنورد با ۷۲ درصد و گناباد با ۶۰ درصد، از بین مهاجرین به شهرهای نمونه، ۴۲/۱ درصد آنها منشأ روستایی و ۵۷/۹ درصد منشأ شهری داشته اند. در بین شهرهای نمونه، شیروان و تربت جام با حدود ۸۲ درصد و بجنورد با ۷۲ درصد و گناباد با ۶۰ درصد، بیشترین مهاجران روستایی را به خود جذب نموده اند. در حالی که مشهد با ۲۷ درصد در پایین ترین رتبه قرار داشته است. از بین شهرهای نمونه، مشهد با جذب ۷۳ درصد از مهاجرینی که منشأ شهری داشته اند، در بالاترین رتبه به لحاظ مهاجرت های شهری. شهر قرار داشته است که قاعدتاً در ارتباط با سیر کلی، مهاجرت های پلکانی توجیه می شود. شهر تربت جام با جذب ۱۷ درصد از مهاجرت های شهری در پایین ترین رتبه قرار داشته است.

در مورد وضعیت اشتغال مهاجرین، قبل از مهاجرت، ملاحظه می شود که حدود ۶۵ درصد آنها قبلاً در مشاغل خدماتی فعالیت داشته اند. بخش کشاورزی با حدود ۲۵/۷ درصد، رتبه دوم اهمیت را به لحاظ وضعیت اشتغال مهاجرین در سالهای قبل از مهاجرت داشته است. در این بین، مهاجرین وارده به شهرهای میانه اندام یعنی شهرهای تربت جام، گناباد و به خصوص شیروان، بیشترین میزان اشتغال شان در بخش کشاورزی بوده است.

جدول شماره ۴ - درصد مهاجرین (نمونه) برحسب علاقه یا عدم علاقه به بازگشت به محل اقامت قبلی (درصد)

شهر	علاقمند به بازگشت به محل اقامت قبلی	غیرعلاقمند به بازگشت به محل اقامت قبلی
نقاط شهری	۲۴/۵	۷۵/۵
سرخس	۳۵/۰	۶۵/۰
طبس	۱۱/۹	۸۸/۱
گناباد	۲۰/۲	۷۹/۸
تربت جام	۱۷/۸	۸۲/۲
شیروان	۱۴/۴	۸۵/۶
بجنورد	۳۲/۹	۶۷/۱
بیرجند	۲۵/۴	۷۴/۶
سبزوار	۴۷/۴	۵۲/۶
مشهد	۲۱/۶	۷۸/۴
گروه ۱	۲۱/۷	۷۸/۳
گروه ۲	۱۵/۹	۸۴/۱
گروه ۳	۳۶/۹	۶۳/۱
گروه ۴	۲۱/۶	۷۸/۴

با توجه به اینکه مهاجرت به نقاط شهری، بستگی به میزان رضایت مندی مهاجران از شرایط زندگی و سطح درآمد در مقصد دارد، لذا با طرح سوالاتی این میزان مورد سنجش قرار گرفت. نتایج حاصله حاکی از آن است که وضع اقتصادی ۴۲/۶ درصد از مهاجرین به شهرها

بعد از مهاجرت بهتر شده است. وضع ۳۷/۹ درصد تفاوتی نکرده است و در مورد ۱۷/۷ درصد وضع بدتر شده است. نتایج به دست آمده همچنین حکایت از آن دارد که در شهرهای بزرگتر، میزان رضایت مندی از اقدام به مهاجرت بیشتر بوده است. چنانچه این میزان برای شهرهای کوچک اندام حدود ۳۶ درصد و برای مهاجرین شهرهای بزرگ اندام ۴۱/۵ و برای مشهد بیش از ۴۵ درصد عنوان شده است.

یکی از مهمترین نتایج به دست آمده در این تحقیق آن است که، اگر چه حدود ۶۰ درصد از مهاجرین اظهار کرده اند که به لحاظ اقتصادی وضع آنها تفاوتی نکرده و یا بدتر هم شده است، لیکن تنها ۲۴/۵ درصد کل مهاجرین اظهار تمایل به بازگشت نموده اند. این امر می تواند حاکی از آن باشد که اقدام به مهاجرت و تداوم آن، علاوه بر انگیزه های اقتصادی، علل دیگری نیز دارد که به کیفیت زندگی شهری، دسترسی به خدمات و امکانات شهری و مواردی از این قبیل مربوط می شود. بدیهی ست تا زمانی که تفاوت های ساختاری بین نقاط شهری و روستایی و نیز میان نقاط شهری کوچکتر و شهرهای بزرگ، در زمینه اشتغال، درآمد، تفاوت سطح دستمزدها و امکانات خدماتی و غیره باقی باشد، می توان پیش بینی نمود که جریان های مهاجرتی نیز استمرار یابد.

برست منابع فارسی:

- اردشیری، مهرداد، زاهدانی، سیدسعید، بررسی برخی عوامل عمده اقتصادی، فرهنگی و اقلیمی مهاجرت بین استانی در دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی (طرح پژوهشی)، مرکز جمعیت شناسی دانشگاه شیراز، ۱۳۷۵.
- زنجانی، حبیب الله، جمعیت کشور و چگونگی توزیع آن در سطح زمین تا سال ۱۳۹۰، مجموعه مقالات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۱.
- سلطان زاده، حسین، مقدمه ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، سپهر، ۱۳۶۷.
- سیدعلوی، سیدحسین، وضع موجود و آینده نگری توسعه جامعه شهری، سازمان مدیریت و برنامه ریزی (برنامه و بودجه)، ۱۳۷۴.
- شیعه، اسماعیل، مقدمه ای بر برنامه ریزی شهری، مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۷۵، صص ۲۴-۳۹.
- علیزاده، محمد، کازرونی، کاظم، مهاجرت و شهرنشینی در ایران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی (برنامه و بودجه)، ۱۳۶۳.
- فریدمن، جان و مایک داگلاس، توسعه روستا شهری (به سوی راهبرد جدید برنامه ریزی منطقه ای در آسیا)، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۶۳.
- گیلبرت، آلن و جوزف گاکلر، شهرها، فقر و توسعه (شهرنشینی در جهان سوم) ترجمه پرویز کریمی ناصری، شهرداری تهران، ۱۳۷۶.
- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور ۱۳۷۷، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، زمستان ۱۳۷۸، صص ۶۱.
- وزارت کشور، مدیریت و برنامه ریزی کشور، فصلنامه مدیریت شهری، سال دوم، شماره ۶، تابستان ۱۳۸۰.
- هاگت، پیتر، جغرافیا، ترکیبی نو، جلد دوم، ترجمه شاپور گودرزی نژاد، انتشارات سمت، ۱۳۷۵، صص ۱۳۵-۳۶.

فهرست منابع انگلیسی:

- Chapman, Simon, **Complete Geography**, Oxford University Press, 1999, p.193.
- Knox, Paul, **Places and Regions in Global Context**, Human Geography, Printice Hall, 1998.
- Mathur, Prakash, **Small Cities and Nations Development**, United Nations Center for Regional Development, 1982.
- Salahel – Shakhs, **Urbanization Development and Regional Planning in Africa**, 1974.
- Tolly, George, **The Economic of Urbanization and Urban Policies in Developing Countries**, The World Bank, Washington, 1989.
- United Nations, **World Development Report, 1999-2000**.
- United Nations, **World Urbanization Prospects**, New York, 1998, p.2.